



اهمیت دانش بومی در توسعه پایدار روستایی

شاپور ظریفیان^۱، فصیحہ جعفری^۲، شفیقہ اسکندری^۳

چکیده

دانش بومی مجموع تمام دانش ها و مهارتهایی است که مردم در یک ناحیه جغرافیایی مشخص در شرایط زیست محیط دارا می باشند که بیشترین دانش و مهارتهای آنها به نسلهای بعدی منتقل می شود و زنان و مردان نسل جدید هر کدام با آن سازگار می شوند و به آن می افزایند. دانش بومی می تواند ویژگی های منحصر به فرد یک جامعه را معرفی یا زمینه ارتباط آن با سایر جوامع را فراهم نماید و می تواند گذشته را به آینده گرح بزند. برای توسعه، داشتن دانش لازم و ضروری است. اما متأسفانه دانش بومی تا این اواخر مفاهیم واپسگرایی و ایستایی را به ذهنها متبادر می کرد که آن هم ناشی از افکار، رویکرد ها و نظریه های کلاسیک توسعه از جمله نوسازی و رهیافتهای انتقال فناوری به کشاورزان کشورهای در حال توسعه بود. با بروز مشکلاتی هم چون اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی بخاطر کاربرد فناوریهای نسنجیده و نامتناسب رویکردهای درون زا، نظریه های روستایی پایدار و راهبرد های کشاورزی-نخست، مطرح شد. با توجه به اینکه برای داشتن توسعه پایدار باید به فرهنگها، نوع کشت، تفاوتهای بین منطقه ای روستا توجه کنیم و با توجه به عوامل ذکر شده فرهنگ، نوع کشت، تفاوت بین منطقه ای برنامه ی پیشرفت دولتی را در منطقه مورد نظر برای توسعه پایدار روستایی اعمال کنیم چون در غیر اینصورت باعث فرار روستائیان و تجمع عظیم آنها در حاشیه شهرها یا در شغلهای که غیر مرتبط با تخصص روستائیان هستند میشود.

واژه های کلیدی: دانش بومی، پایدار، روستا، توسعه

^۱ هیات علمی دانشگاه تبریز

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز

^۳ دانشجوی دکتری دانشگاه تبریز



مقدمه

توسعه پایدار روستایی: آنچه امروزه در مورد توسعه در مناطق روستایی مطرح است، توسعه پایدار روستایی است. توسعه پایدار توسعه ای است که بتواند نیازهای کنونی بشر را تامین کند بدون آنکه توانهای محیطی و زیستی نسل های آینده را در تامین نیازهایشان به مخاطره بیندازد (جان بری، ۱۳۸۲، ۱۳۸۰). هدف اصلی توسعه پایدار، تامین نیازهای اساسی، بهبود و ارتقا سطح زندگی برای همه، حفظ و اداره بهتر اکوسیستم ها و آینده ای امن تر و سعادت‌مندانه تر بیان می شود. (۴)

برای دانش بومی نام های دیگری، مانند دانش محلی، دانش فنی بومی، دانش سنتی و دانش مردم وجود دارد اما اصطلاح دانش بومی بیش از همه بکار گرفته می شود. (۵)

دانش بومی و توسعه پایدار: اصول توسعه پایدار را اینگونه می توان خلاصه کرد که توسعه باید از لحاظ زیست محیطی پایدار، از جنبه اجتماعی عادلانه، از نظر اقتصادی کارآ و از جنبه فرهنگی با جامعه مورد نظر سازگار باشد. در اغلب اصول چهل گانه در منشور توسعه پایدار توجه به مسئله دانش مردم بومی بطور مستقیم یا غیرمستقیم بعنوان یکی از ضروریات توسعه پایدار مورد تاکید قرار گرفته است. در بستر رویکرد مشارکتی به توسعه، به عنوان رویکرد جدید که مبتنی بر تغییر در پارادایم هایی است که مفاهیم توسعه را شکل می دهند، کانون انقلاب جدید، ظهور تخصص دانش بومی خوانده می شود. رویکردهای مشارکتی در پی به کارگیری نظام مندتر دانش بومی جامعه محلی در پژوهشهای مربوط به اقدامات تکنولوژیک هستند. (۶) در ارتباط با توسعه پایدار دانش بومی یک منبع قابل اتکا می باشد که می تواند در زمینه اقتصاد مقاومتی نقش چشمگیری داشته باشد.

اهمیت نظام های دانش بومی :

به این دلیل است که اساسی را برای تصمیم گیری در سطح محلی فراهم می آورد. روستائیان و کشاورزان با مشاهده و به طریق تجربی نسبت به پدیده های محیط خود آگاهی کسب می کنند و زمانی که با مشکل مواجه شدند در مسیر راه حل آن کوشش کرده و راهبردهای خاصی را آزمون می کنند.

زمینه های کاربردی دانش بومی

فیلهو در اصول توسعه پایدار کشاورزی ضمن اشاره بر حفظ تنوع زیستی؛ رابطه متقابل و کنش و واکنش بین انسان و محیط زیست؛ پذیرش مسئولیت فرامرزی؛ عدالت اجتماعی؛ عدالت بین نسلی؛ مشارکت گروه های منسجم مردمی - غیر دولتی در تصمیم گیری های کلی و حیاتی؛ برابری جنسیتی و گردش آزاد اطلاعات - رشد فناوری اطلاعات؛ صلح و امنیت، بر دانش بومی به عنوان یک اصل اساسی یاد می کند. همچنین کاربرد موفقیت آمیز فنون کشاورزی بومی در کشورهای صنعتی بر بسیاری از تصورات گذشته مبنی بر عدم کارایی دانش بومی خط بطلان کشیده و اعتباری جدید برای کشاورزان بومی جهان پدید آورده است

زمینه های کاربرد دانش بومی در امر توسعه عبارتند از:

۱- حفظ و نگهداری از منابع طبیعی،

۲- موفقیت طرح های توسعه پایدار در گرو مشارکت بومیان در کلیه مراحل از جمله طراحی، برنامه ریزی، اجرا و ارزیابی طرح هاست. نیاز به مشارکت بومیان، استفاده از دانش بومی را اجتناب ناپذیر می کند.

۳- با توجه به وضعیت فعلی دنیا، در بسیاری از موارد، راه حل را می بایست در آمیزش از دانش بومی و دانش رسمی جست، چرا که با توجه به ابعاد نیازهای کنونی جمعیت دنیا و نیز آسیب پذیری منابع طبیعی باقیمانده، هیچیک از دو دانش، به تنهایی قادر به جوابگویی به نیازها نیست.



۴- برای شناسایی نیازهای توسعه، امر "مسئله یابی" می باید از دیدگاه بومیان انجام گیرد. شناسایی درست مسایل و ارتباط موثر با بومیان از طریق دانش بومی میسر است.

۵- در کشورهای صنعتی، بر اثر تسلط کامل دانش رسمی در فرایند تولید، روشهای بومی کاملاً فراموش شده است. برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار در این کشورها، "واردات" روشهای بومی مناسب از دیگر کشورها و تلاش برای احیای دانش محلی ضروری است. نگاهی بر ویژگی های نظام های دانش بومی حاکی از آن است که دانش مذکور به دلیل سیستمی بودن، انعطاف، متکی بودن بر نیازها، حفظ تنوع زیستی، مشارکتی بودن، تجربی بودن، در دسترس و ارزان بودن، حفظ تعادل محیط زیست، چند بعدی بودن، منطبق بودن بر فرهنگ مردم، دارا بودن صحت و دقت و بسیاری از شاخصه های منحصر به فرد دیگر، می تواند و باید در فرایند توسعه لحاظ گردد و عدم توجه و بهره گیری از این گنجینه پر ارزش، همان پیامدهایی را بدنبال خواهد داشت که در فاصله چند دهه قبل از ۱۹۹۰، زیست کره زمین با تمام متعلقات به آن، مبتلا به آن گردید (۳)

اهداف توسعه روستایی

توسعه روستایی نقش منحصر بفرد در فرآیند توسعه ملی دارد، شواهد و قرائن و تجربه سایر کشورها، بیانگر این است که توسعه روستایی مسیر گریز ناپذیر توسعه ملی می باشد. در این صورت توسعه روستایی می بایست از نظر ساختارهای تشکیلاتی به ویژه از منظر راهبردها، سیاست ها و برنامه ها جایگاه شایسته خود را در کشور بیابد تا ضمن تعامل مثبت و سازنده با بخش های مختلف، در دهه آینده که تحت عنوان "دهه پیشرفت و عدالت" نام گرفته است نقش موثر خویش را ایفا کند.

اهداف توسعه روستایی را می توان به چهار دسته کلی تقسیم کرد:

اهداف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و طبیعی. بطور کلی توسعه روستایی، فرآیند توسعه دادن و مورد استفاده قرار دادن منابع طبیعی و انسانی، تکنولوژی، تسهیلات زیربنایی، نهادها و سازمانها، سیاستهای دولت و برنامه ها بمنظور تشویق و تسریع رشد اقتصادی در مناطق روستایی جهت ایجاد اشتغال و بهبود کیفیت زندگی روستایی برای ادامه زندگی و پایداری حیات است. در گذشته بعضی مدیران و سیاست گذاران امر توسعه، صرفاً بر "توسعه کشاورزی" متمرکز می شدند که امروز نتایج نشان داده است که توسعه روستایی صرفاً از این طریق محقق نمی شود. روستا جامعه ای است که دارای ابعاد اجتماعی مختلف است و نیازمند توسعه همه جانبه است نه صرفاً توسعه کسب و کار و نظامی به نام "کشاورزی" هرچند باید گفت که از طریق توسعه کشاورزی موفق نیز الزاماً توسعه روستایی محقق نمی شود. چون اولاً فواید توسعه کشاورزی عاید همه روستاییان نمی شود (بیشتر عاید زمین داران، بخصوص مالکان بزرگ، می شود)، ثانیاً افزایش بهره وری کشاورزی باعث کاهش نیاز به نیروی انسانی می شود (حداقل در درازمدت) و این خود باعث کاهش اشتغال روستاییان و فقر روزافزون آنان و مهاجرت بیشتر به سمت شهرها می شود. اما بدون شک مناطق روستایی برای توسعه با مشکلات و چالشهایی روبرو هستند که شناخت آنها باعث می شود مسئولین استراتژی مناسب جهت توسعه را برای روستاها انتخاب کنند.

چالشهای مناطق روستایی عبارتند از: ۱- عدم دسترسی به سرمایه وامکانات ۲- مشکل در عرضه کالاها و خدمات ۳- تاکید بر یک صنعت یا کسب و کار خاص ۴- تمایل شدید به مهاجرت ۵- گسترش روزافزون تغییر کاربری اراضی زراعی ۶- امکان ریسک کمتر در روستاها ۷- کمبود سازمانهای حمایت کننده (۹)

استراتژی های توسعه روستایی

کشورها و مناطق مختلف جهان، متناسب با شرایط و اولویتهای، رویکردها و استراتژی های توسعه روستایی متفاوتی را در پیش گرفته اند. قطعاً نمی توان بدون در نظر گرفتن تجربیات جهانی در این زمینه و با تمرکز صرف بر اشتغالی در روستاها (بدون



در نظر گرفتن استراتژی توسعه روستایی) توفیق چندانی بدست آورد (که پایدار و ماندگار نیز باشد). چون اشتغالزایی و کارآفرینی در فضایی مستعد رخ می‌دهد و بدون وجود آن فضا عملاً نمی‌توان متوقع موفقیتی پایدار بود.

رویکردها و استراتژی‌های توسعه روستایی را اینگونه می‌توان تقسیم‌بندی نمود:

الف. رویکردهای فیزیکی-کالبدی: ۱. استراتژی توسعه و بهبود زیرساخت‌های روستایی
ب. رویکردهای اقتصادی: ۱. استراتژی انقلاب سبز ۲. استراتژی اصلاحات ارضی ۳. استراتژی صنعتی نمودن روستاها ۴. استراتژی رفع نیازهای اساسی

ج. رویکردهای اجتماعی-فرهنگی: ۱. استراتژی توسعه اجتماعی ۲. استراتژی مشارکت مردمی

د. رویکردهای فضایی، منطقه‌ای و ناحیه‌ای: ۱. استراتژی‌های تحلیل مکانی ۲. استراتژی توسعه روستا-شهری ۳. استراتژی یوفرد ۴. استراتژی نظام سلسله‌مراتبی سکونتگاه‌ها و برنامه‌ریزی مراکز روستایی ۵. استراتژی توسعه یکپارچه ناحیه‌ای ۶. استراتژی توسعه زیست-ناحیه ۷. استراتژی توسعه پایدار و همه‌جانبه روستایی

مهمترین راهکارهای استراتژیک توسعه روستایی عبارتند از

۱- تغییر نگرش حاکم بر اذهان مدیران و مردم نسبت به روستا از طریق: فرهنگ سازی بوسیله رسانه های جمعی و عمومی، برجسته سازی و توجه ویژه به مناطق روستایی در نظام آموزشی، ابراز توجه ویژه به روستاها توسط مدیران ارشد (مثل اقامت آنان در روستاها) و... ۲- جذاب سازی فضای روستایی کشور از طریق: توسعه هدفمند فضاهای فرهنگی و آموزشی روستاها، ایجاد مراکز تفریحی، اقامتی، سیاحتی در روستاها ۳- تکمیل و تکامل جامعه اطلاعاتی روستایی کشور مانند ایجاد ارتباطات مخابراتی، ارتقای سواد اطلاعاتی آنان و نزدیک سازی فرهنگ شفاهی روستائیان با فرهنگ مکتوب دیجیتال. ۴- تشکیل خوشه های دانشی روستایی و توسعه زیر ساخت های دانشی مثل تدوین نقشه صنایع روستایی کشور، ایجاد و توسعه مراکز تحصیلی و آموزشی (بخصوص آموزش های کاربردی)، ارتقای سطح سواد روستائیان و آموزش آنان در بکارگیری روش ها و فناوری های نوین ۵- نوسازی مناطق آسیب دیده روستایی و توسعه اشتغال زایی در روستاهای کشور از طریق حاکم سازی فضای کارآفرینی و ایجاد پارک های کارآفرینی در مراکز و مناطق مستعد و همچنین حمایت از فارغ التحصیلان روستایی برای راه اندازی کسب و کار در روستاها ۶- شکوفاسازی اقتصاد روستایی و تاسیس روستاهای نوین که از جهات موقعیت و امکانات همپای شهرها باشند، توسعه صنایع دستی و روزآمدسازی آنها، جذب سرمایه گذاران خارجی و بخش خصوصی به سمت روستاها و فرهنگ سازی برای تغییر الگوهای مصرف و تولید در روستا. (۱۰)

برخی از تجربه های ملی در خصوص دانش بومی :

در سینه مردمان این سرزمین کهن ، اندوخته ها و تجربه های گرانقدری نهفته است که نشان از گمگشت ها و گمگشت ها دارد که سیمای درخشانی از خرد و خردورزی ، تامل و اندیشه ، دانش غنی و بومی ف پویایی و تحرک ، تلاش و فعالیت ، رفاقت و صمیمیت ، تمدن و فرهنگ و غیره را پیش روی مخاطبان خود می گذارد و بیانگر گفته های ناگفته ای است که به فراموشی سپرده یا در حال فراموش کردن آنها بودیم که نخستین عالمان ، محققان ، جهانگردان را برانگیخته و به آن اذعان کرده اند . بررسی سوابق تاریخی نشان می دهد که ایران یکی از نخستین مراکز دامداری و باغداری جهان است . اهلی کردن گندم ، رام کردن بز ، سگ و غیره و تربیت اقلامی از میوه ها و سبزیها ف بسیاری از اختراعات بزرگ و فن آوری در زمینه آبخیزداری ، آبیاری ، آب رسانی همچون اختراع کاریز ، چرخاب و تلمبه های آبکش بادی ، برخی شیوه های آبیاری و کشت شگفت آور همچون کشت کوزه ای در مناطق بسیار کم آب و زمین های بلند و پشته هایی که آب بر آنها سوار نمی شود و یا کشت در خاک



شور و کشت خار وابسته، بی هسته کردن یا زیر هسته کردن برخی میوه ها همچون خرما، انگور و انار، بی تخمه کردن برخی کشت های جالیزی مانند هندوانه اصلاح نژاد و غیره و همچنین ساخت ظروف قلیایی با شکل های مختلف هندسی و نقش آفرینی بر روی آن و شیوه های توان بخشی و بهورزی زمین، به طوری که زمین پس از تحمل چند هزار سال کشت، هنوز سر زنده و شاداب و حاصلخیز باقی بماند و همچنین انتخاب مصنوعی و اصلاح نژاد دام ها و پرندگان و مایه کوبی دام ها در برابر برخی بیماری های واگیردار، قرن ها پیش از کشف پاستور و ادوارد بخش کوچکی از دستاوردهای فرهنگی ایرانیان در دانش کشاورزی و دامداری در پیوند با شرایط جغرافیایی و زیست محیطی می باشد. (۲)

نقش دانش بومی در توسعه پایدار روستایی:

- ۱-مکمل دانش رسمی
- ۲-کاربرد در توسعه پایدار روستایی
- ۳-حفاظت از محیط زیست
- ۴-خوداتکایی محلی و ملی
- ۵-امنیت غذایی
- ۶-جلب مشارکت مردمی
- ۷-هویت ملی و اعتلای فرهنگی
- ۸-کاربرد در کشورهای صنعتی و پیشرفته(۵)

بررسی تجربه توسعه در کشورهای در حال توسعه در طی چند دهه اخیر و مطالعات متعدد در این زمینه نشان می دهد که تلاشهایی که در اکثر کشورهای جهان سوم برای دستیابی به توسعه صورت گرفته نه تنها تا کنون قادر نشده اند جلوفقرهمجانبهراگرفتهوزمینهای اشتغال کامل را فراهم سازند، بلکه در اکثر موارد به حاشیه نشینی و محرومیت کامل بخش هایی از جمعیت و تسریع روند مهاجرت از روستاها، تنزل کیفیت زندگی، تبدیل حومه شهرهای بزرگ به محله های مسکونی اکثریت فقیر جامعه، گسترش فقر و نابودی محیط زیست انجامیده است. به منظور کاهش این قبیل پیامدهای آسیب شناختی توسعه، "در مفهوم سازی مجدد توسعه سه فرایند مهم و شالوده ای مورد توجه قرار گرفته است که عبارتند از: سرمایه اجتماعی، دموکراسی مشارکتی و توانمند سازی. (زاهدی ۱۳۸۲: ۲۷۴) اگر به این واقعیت توجه شود که بسیاری از پیامدهای ناگوار توسعه در جهان سوم نتیجه تقلید ناآگاهانه از الگوهای توسعه بیرونی، روش توسعه بالا به پایین و جریان یک سو به قدرت بوده است، بومی سازی می تواند به کاهش پیامدهای آسیب شناختی جریان توسعه از طریق سازگاری با مفاهیم مطرح شده در پارادایم های جدید توسعه و تقویت سرمایه اجتماعی، دموکراسی مشارکتی و توانمند سازی قشر ضعیف جامعه منجر شود. به عبارت دیگر اگر بومی سازی را انطباق الگوها و روشهای بیرونی توسعه با شرایط درونی جامعه محلی و تقویت الگوها و روشهای بومی متناسب با جریان توسعه بدانیم، می تواند به توانمندسازی جامعه محلی جهان سوم کمک نماید. بومی سازی پیوندی نهادینه بیندانش رسمی و دانش بومی در عرصه عمل و نهادینه کردن آن در جریان توسعه خواهد بود. این انگاره می تواند رویه غالب الگوهای مرسوم توسعه در جهت تمرکز، یکنواخت سازی و حذف تنوع و تکثر را تعدیل نماید و پیامدهای منفی آن را کاهش دهد(۶)

اهمیت نظام های دانش بومی :

به این دلیل است که اساسی را برای تصمیم گیری در سطح محلی فراهم می آورد. جوامع محلی، اقدام به شناسایی مشکلات کرده و در جهت خلق دانش، نوآوریها و آزمون آنها گام بر میدارند. به این طریق، فناوریهای نوینی را در سطح محلی خلق کرده و



در راه نشر آن از روشهای ارتباط و انتقال بومی استفاده می کنند. روستائیان و کشاورزان با مشاهده و به طریق تجربی نسبت به پدیده های محیط خود آگاهی کسب می کنند و زمانی که با مشکل مواجه شدند در مسیر راه حل آن کوشش کرده و راهبردهای خاصی را آزمون می کنند. (۵)

جدول شماره ۱ - کاربرد دانش محلی و تصمیم گیری کشاورزان و روستائیان (۵)

۱- مرحله اول: آگاهی از پدیده های خاص (از طریق مشاهده و تجربه)
۲- مرحله دوم: درک پدیده به عنوان یک مشکل
۳- مرحله سوم: حرکت و فعالیت در جستجوی راه حل
۴- مرحله چهارم: درک و راهبرد خاص برای حل مشکل
۵- مرحله پنجم: آزمون راهبرد و کاربرد آن

رویکرد های امرار معاش پایدار روستایی:

رویکردهای امرار معاش متاثر از پارادیم جدید توسعه و حرفه گرایی نو است که برای کاهش فقر، افزایش درآمد و بهبود استانداردهای عمومی زندگی مردم روستایی مطرح شده است. این رویکرد می کوشد تا میان دو مفهوم روستایی و کشاورزی تمایز ایجاد شود و حوزه عملکرد توسعه روستایی گسترش پیدا کند. دستیابی به کاهش فقر تنها در صورتی ممکن خواهد بود که حمایت های بیرونی با راهبردهای کنونی امرار معاش مردم و نیز میزان توانایی و مهارت های آنان سازگار و هماهنگ باشد. (۵)

اهمیت دانش بومی

امیری اردکانی و شاه ولی به نقل از عمادی در سال ۱۳۷۷ بیان کرده اند: برتری دانش بومی در فرایند توسعه پایدار در کشورهای صنعتی جهان به خوبی آشکار شده است. در کشورهای اروپایی، ایالات متحده، کانادا و استرالیا، به طور گسترده دانش بومی مربوط به کشاورزی، طب، تغذیه و معماری با اسامی جدید مورد استفاده قرار گرفته اند. مثلاً مجموعه ابزارها و شیوه های سنتی کشت و زرع در این کشورها به "کشاورزی ارگانیک" (بدون کود و سموم شیمیایی) شهرت یافته است. کشاورزان غربی با استفاده از فنون سنتی چون کشت تناوبی، کودسازی (کمپوست) و کودورزی خاک با منابع تجدیدپذیر، آبیاری سطحی و قطره ای، کنترل بیولوژیکی و استفاده از بذرهای اصیل (اصلاح شده)، محصولات بهتری به بازار عرضه می کنند. این محصولات به خاطر طعم و عطر بهتر و کیفیت غذایی بالاتر مورد استقبال گسترده مصرف کنندگان شهری واقع شده است. کاربرد موفقیت آمیز فنون کشاورزی بومی در کشورهای صنعتی بر بسیاری از تصورات گذشته مبنی بر عدم کارایی و ضعف دانش بومی خط بطلان کشیده و اعتباری جدید برای کشاورزان بومی جهان پدید آورده است (۷)

توسعه ای که در مناطق روستایی بیشتر مورد نظر است و لازم است برنامه ریزان روستایی مد نظر داشته باشند به شرح زیر است:

۱. توسعه باید «تغییری» در جهت بهبود شرایط برای اکثریت مردم باشد.

۲. مردمی که از توسعه سود می برند باید بیشتر از مردمی باشند که از آن متضرر می شوند.

۳. توسعه باید دست کم مردم را نسبت به تامین حداقل نیازهای زندگیشان یا نیازهای ضروری زندگیشان مطمئن سازد

۴. توسعه باید با نیازهای مردم هماهنگی و مطابقت داشته باشد.

۵. توسعه باید باعث تشویق خود اتکایی گردد.



۶. توسعه باید بهبود طولانی و مستمر را به ارمغان آورد.

۷. توسعه نباید باعث تخریب محیط زیست طبیعی باشد (۸)

ویژگی های دانش بومی :

دانش بومی با دانش دانشگاهی و موسسات دانشگاهی متفاوت است .

بستری است برای تصمیم گیری محلی در مورد کشاورزی ، بهداشت ، آموزش ، آماده سازی مواد غذایی ، مدیریت منابع طبیعی و هر نوع فعالیت روستایی دیگر .

از طریق دهان به دهان و سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود .

نه تنها برای فرهنگ خودی ، بلکه برای دانشمندان و طراحان برنامه های روستایی مهم است .

دانش بومی بسیط و ساده است .

هر دانش بومی موفق می تواند مورد استفاده جوامع دیگری که شرایط بوم شناسی زراعی مشابهی دارد قرار گیرد .

آشنایی و شناخت دانش بومی به عواملان تغییر کمک می کند .

دانش بومی کل نگر است . دانش بومی با حواس پنجگانه و نیروی الهام کسب می شود و به وحدت معلومات می انجامد

دانش بومی شفاهی است .

دانش بومی عملی است درباره آن می توان نوشت و توصیفش کرد ، اما آموزش و آموختن آن از طریق کتاب و مجله ممکن نیست . تنها راه فراگیری دانش بومی مشاهده نزدیک و پیروی از استاد است .

دانش بومی مردمی است .

دانش بومی محلی است . دانش بومیان در چارچوب محیطی و اقلیمی خود پدید آمده است ، دانش بومی مؤثر در یک منطقه جغرافیایی لزوماً در همه جا کارگر نیست .

دانش بومی به سرعت در حال نابودی است با مرگ هر پیر بومی گنجینه عظیمی از دانش بومی از میان می رود . با چیرگی فرهنگ کتبی بر جهان از تعداد این پاسداران فرهنگ شفاهی به تدریج کاسته شده است . هر اقدامی برای گردآوری دانش بومی

اضطراری است . (۱)

در نهایت اینکه برنامه های توسعه روستایی باید به مواردی همچون: ایجاد اشتغال در بخش های غیرکشاورزی، کنترل جمعیت،

توسعه اجتماعی و شهرسازی روستا، کاهش مهاجرت به شهرها، افزایش سطح رفاه، تاکید بر جذب و توسعه فناوری های جدید و

آموزش و تربیت نیروی انسانی ماهر توجه داشته باشد.(۹)

نتیجه گیری

اگر بومی سازی را استفاده آگاهانه از الگوها، روشها و فنون توسعه و تطابق آن با شرایط جامعه بومی در کنار به روز کردن و تقویت تکنیکها و روشهای بومیها همان پیوند دانش رسمی با دانش و شرایط بومی بدانیم، چنین راهبردی می تواند به توانمند

سازی و مشارکت مردم در جریان توسعه و شکل گیری جریان توسعه درون-زا، متکی به خود و پایدار منجر شود.



منابع

- ۱- عمادی محمد حسین و عباسی ، اسفندیار (۱۳۷۷) «دانش بومی و توسعه پایدار روستاها : دیدگاهی دیرین در پهنه نوین» روستا و توسعه س ۲ ، ش ۱ صص ۲۹ - ۳۰
- ۲- فرهادی ، مرتضی (۱۳۷۹) ، «بحران محیط زیست در ایران و لزوم بازنگری به دانش های مردمی و راهکارهای فرهنگ ملی» ، نمایه پژوهشی (فصلنامه اطلاع رسانی) سال چهارم ، شماره ۱۳ - ۱۴
<http://www.elmiproje.ir> -۳
<http://iranvillage.ir> -۴
- ۵- <http://www.geodownload.ir> (تحلیل جایگاه دانش بومی در توسعه پایدار روستایی . خدیجه بوزر جمهری ، عبدالرضا رکن الدین افتخاری)
- ۶- <http://it-robot.blogfa.com> (دکتر محمود جمعه پور)
- ۷- <http://www.andishesabzemoravej.blogfa.com>
- ۸- <http://www.saeedeh-azizai.blogfa.com>
- ۹- <http://ruraldevelop.blogfa.com>
- ۱۰- <http://khanabadd.com/pages.asp>